

چیز تأسف نمی خورم که انجام دادم و دوست داشتم که آنها را انجام نمی دادم، و سه چیزی که انجام ندادم و دوست داشتم آنها را انجام می دادم، و سه چیزی که ای کاش از رسول خدا ﷺ درباره آنها می پرسیدم؛ اما سه چیزی که دوست داشتم ترک کنم: دوست داشتم خانه فاطمه را هتک حرمت نمی کردم، اگرچه آن را برای جنگ بسته بودند...»^(۵)

۵. الأموال، أبو أحمد حمید بن مخلد بن قتیبة بن عبدالله المعروف بابن زنجويه (م ۲۵۱ق)، ج ۱، ص ۳۸۷.



مخفی بودن
قبر حضرت زهرا
علیها السلام

ویژه طلاب، دانشجویان و اقشار فرهنگی

بایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب

www.adyannet.com

سؤالات را با خود مرور می کردم. از کجا شروع کنم که مبدا از من رنجیده شود؟! اگر در مناظره کلمه ای اشتباه می گفتم، یا به ضرر مذهب شیعه بود و یا موجب اختلاف بین شیعه و سنی. آن هم در مسجد جامع اهل سنت! این طور شروع کردم: «چرا قبر حضرت زهرا علیها السلام مخفی است؟» با خنده جواب داد: مگر خبر نداری؟! مشهورترین شارح «صحیح مسلم»، علت مخفی بودن قبر حضرت زهرا علیها السلام را وصیت خودش مطرح کرده است. «نوی» می گوید: «حضرت فاطمه خود وصیت کرد که شبانه دفن شود و به همین علت محل دفن او پنهان و ناشناخته است. گروهی می گویند که حضرت در خانه خویش دفن است. گروهی بر این عقیده اند که در بقیع دفن است و برخی دیگر می گویند در مسجد دفن شده است!»

پرسیدم: «چرا حضرت فاطمه علیها السلام وصیت کرد

که شبانه دفن شود؟» در پاسخ گفتم: تا نگاه نامحرم به او نیفتد! بعد خندید! گمان می کرد با این جواب دیگر چیزی نخواهم گفت! چون همیشه با همین دو جمله سر و ته این مسئله را هم می آورد! اما بر خلاف توقع او و حاضرین، پرسیدم: مگر سلمان، ابوذر و عمار به فاطمه علیها السلام محرم بودند که در تشییع او شرکت داشتند؟ آیا سخن علمای خود را نشنیده ای که گفته اند: «فاطمه شبانه دفن شد و کسی جز سلمان و ابوذر و به نقلی عمار در تشییع او شرکت نداشت!» پس بهتر است بگویید: فاطمه علیها السلام وصیت کرد شبانه دفن شود تا تنها افراد خاصی در تشییع او شرکت کنند!

یکی از شاگردانش گفت: اما خلیفه اول یکی از کسانی است که در تشییع فاطمه شرکت کرده است! در روایات ما آمده است که ابوبکر بر او نماز خواند! چراکه «ابن سعد» گفته است: «ابوبکر بر فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا ﷺ نماز خواند و چهار بار در نماز تکبیر گفت.»^(۱)

۱. طبقات ابن سعد، ج ۸، ص ۲۹.

گمان می‌کرد این پاسخ تیر خلاصی بر استدلال من است؛ اما پرسیدم: مگر نگفتید که فاطمه وصیت کرده بود شبانه دفن شود تا نگاه نامحرم به بدن او نیفتد؟! گفت: آری! گفتم: چطور نباید نگاه نامحرم به جنازه‌ای که در تابوت سرپوشیده و روی شانه است بیفتد؛ اما ادعا می‌کنی که بدن مطهر فاطمه علیها السلام را در مقابل ابوبکر روی زمین گذاشتند تا او نماز بخواند؟ مگر ابوبکر نامحرم نبود؟!

بعد پرسیدم: مگر علمای شما نگفته‌اند روایتی که می‌گوید: ابوبکر بر فاطمه نماز خواند، سند درستی ندارد؟! زیرا روایت نماز خواندن ابوبکر بر فاطمه علیها السلام را «واقدی» از «شعبی» نقل کرده است که واقدی ضعیف است و شعبی هم در زمان خلافت خلیفه دوم به دنیا آمده؟! پس این روایت هم ضعیف است و هم منقطع.^(۲)

نگاهی از سر التماس به استادش انداخت، شاید استاد جوابی برای این اشکال داشته باشد؛ اما استاد که با قواعد علم رجال آشنایی داشت،

۲. الاصابه، ابن حجر، ص ۲۶۷.

سکوت کرد! پس پرسیدم: مگر «بخاری»، معتبرترین عالم شما و «ابن بطلال» از شارحین مشهور صحیح بخاری نمی‌گویند که: علی علیه السلام، ابوبکر را از دفن فاطمه علیها السلام بی‌خبر گذاشت و خود بر او نماز خواند؟ بخاری نوشته است: «وَ عَاشَتْ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ فَلَمَّا تُوفِّيَتْ دَفَنَهَا زَوْجَهَا عَلِيٌّ لَيْلًا وَلَمْ يُؤْذَنْ بِهَا أَبَا بَكْرٍ وَ صَلَّى عَلَيْهَا؛ فاطمه شش ماه پس از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زنده بود، زمانی که از دنیا رفت، شوهرش علی علیه السلام او را شبانه دفن کرد و ابوبکر را با خبر نساخت.»

«ابن بطلال» در شرح همین روایت می‌گوید: «علی بن ابی طالب علیه السلام همسرش فاطمه را شبانه دفن کرد تا ابوبکر بر او نماز نخواند؛ زیرا اختلافی میان آن دو افتاده بود.»

باز هم پاسخی نداشت! پرسیدم: مگر دیگر علمای شما علت بی‌خبر ماندن ابوبکر را وصیت صریح خود فاطمه علیها السلام مطرح نکرده‌اند؟ مگر «ابن قتیبه دینوری» در «تأویل مختلف الحدیث» گفته است: «فاطمه از ابوبکر میراث پدرش را خواست، ابوبکر نپذیرفت، پس قسم خورد که

دیگر با او (ابوبکر) سخن نگوید و وصیت کرد که شبانه دفن شود تا او (ابوبکر) در دفن وی حاضر نشود.»^(۳)

یا مگر «عبد الرزاق صنعانی» گفته است: «فاطمه دختر پیامبر شبانه به خاک سپرده شد تا ابوبکر بر وی نماز نخواند؛ چون بین آن دو اتفاقاتی افتاده بود. از «حسن بن محمد» نیز همانند این روایت نقل شده است، مگر اینکه در این روایت قید شده است که خود فاطمه این چنین وصیت کرده بود.»^(۴)

نگاهی به جمعیت انداختم. چند نفر سرشان را به زیر انداخته بودند. گروهی از شاگردانش زیر لب غر و لُند می‌کردند که چرا به روایاتی که این شیعه از کتب ما می‌آورد، جوابی داده نمی‌شود؟ وقتی دیدم باز سکوت کرده است، پرسیدم: «چه شده بود که فاطمه علیها السلام وصیت کرده بود که خلیفه در تشییع جنازه او شرکت نکند؟» با خود گفتم: لابد جواب این سؤال را

۳. تأویل مختلف الحدیث، دار الجیل، بیروت، ۱۳۹۳ق، ج ۱، ص ۳۰۰.
۴. المصنف، عبد الرزاق صنعانی، المكتب الاسلامی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۵۲۱.

می‌دهد. می‌دانستم که جوابش را می‌داند؛ چون در «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» آمده بود.

پاسخ داشت؛ اما نداد!

«طبری» در «تاریخ طبری»، «ابن عبد ربّه» در «العقد الفرید»، «طبرانی» در «المعجم الکبیر»، «مقدسی» در «الأحادیث المختارة»، «ابن قتیبه دینوری» در «الإمامة و السیاسة»، «شمس الدین ذهبی» در «تاریخ الإسلام» و... داستان اعتراف ابوبکر را با اختلافهای جزئی نقل کرده‌اند. «ابن زنجویه» از دانشمندان قرن سوم اهل سنت نقل می‌کند: «عبد الرحمن بن عوف به هنگام بیماری ابوبکر به دیدارش رفت و پس از سلام و احوال‌پرسی، با او گفتگوی کوتاهی داشت. ابوبکر به او گفت: «إِنِّي لَا أَسِي مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا عَلَيَّ ثَلَاثٍ فَعَلْتُهُنَّ وَدِدْتُ أَنِّي تَرَكْتُهُنَّ، وَ ثَلَاثٍ تَرَكْتُهُنَّ وَدِدْتُ أَنِّي فَعَلْتُهُنَّ، وَ ثَلَاثٍ وَدِدْتُ أَنِّي سَأَلْتُ عَنْهُنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَا اللَّاتِي وَدِدْتُ أَنِّي تَرَكْتُهُنَّ، فَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَكُنْ كَشَفْتُ بَيْتَ فَاطِمَةَ عَنْ شَيْءٍ، وَإِنْ كَانُوا قَدْ أَغْلَقُوا عَلَيَّ الْحَرْبِ...؛ من در زندگی‌ام جز بر سه